

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴

اخلاق اسلامی و تغییر سنت‌های نادرست اخلاق جاهلی

مرضیه بیدمال^۱ (نویسنده مسئول)

بهادر قیّم^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۸

چکیده

مطالعه تاریخ دوران جاهلیت و بررسی اخلاق و آداب توده‌های مردمی در زمان جاهلیت بیانگر عدم وجود الگویی مناسب در روابط فردی و اجتماعی است. در زمان جاهلیت از نظر اخلاقی بسیاری صفات خوب و برجسته مانند ضیف (مهمان‌نوازی) جوار (حمایت از پناهندگان) حلف (هم‌پیمانی) جود و سخا، شجاعت وجود داشت اما به نوعی خاص تفسیر می‌شد و ریشه در عوامل اجتماعی و فرهنگ جاهلیت، مانند تفأخر و هم‌چشمی در میان قبایل داشت که نشان از انحطاط اخلاقی مردمان آن عصر داشت. با رسالت پیامبر، رسول خدا (ص) سلسله‌ای از اصلاحات اخلاقی توسط ایشان پیگیری شد که منجر به ایجاد تفاوت‌های مبنایی عصر بعثت با عصر جاهلیت در این زمینه گردید. توجه به دستورات قرآن و رقابت برای عمل به آن، جامعه عرب آن روز را به شکل معناداری به تغییر واداشت. این تغییرات در دوره‌های بعد و نسل‌های بعد به شایستگی توسط ائمه اطهار (ع) تبیین گردید و در اختیار عموم قرار گرفت و این بزرگواران به فراخور زمان سعی در ارتقای رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی مسلمانان خصوصاً شیعیان نمودند.

این مقاله درصدد بررسی میزان تأثیرپذیری جامعه اسلامی از آموزه‌های دینی و اخلاقی اسلامی است و در این بررسی نیازمند استناد به منابع تاریخی و همچنین منابع دینی هستیم و از شیوه توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود. **واژگان کلیدی:** اخلاق اسلامی، سنت‌های جاهلی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اصلاح.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهید چمران اهواز marzihdaryaii@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز Ghayem.b@scu.ac.ir

مقدمه

مردم هر محیطی اخلاق و مبانی اخلاقی و زشت و زیبا را طبق آنچه می‌اندیشند و رسوم و عرف و عادت محیطشان آنرا تأیید می‌کند، تفسیر می‌کند. در مورد عصر جاهلیت که پس از ظهور اسلام، (با الهام از قرآن) در میان مسلمانان، در مورد عصر پیش از اسلام به کار رفت و مفهوم خاصی پیدا کرد نیز این قاعده وجود داشت. صفات خوب همچون شجاعت، مهمان نوازی، کرم و حمایت از پناهندگان از ارزش‌های معنوی و انسانی سرچشمه نمی‌گرفت، بلکه ریشه در عوامل اجتماعی و فرهنگ جاهلیت، مانند تفاخر و هم‌چشمی، تکبر، تعصب و موارد مشابه آن در میان قبایل داشت. علاقه به شهرت و نام نیک، امید رسیدن به ریاست، بیم از هجو شعرا، نگرانی از برچسب لئیمی و خست طبع و امثال این‌ها بود که عرب را به بذل و بخشش، وفای به عهد، حمایت از پناهندگان و مانند این‌ها وادار می‌کرد. خصلت‌های مهمان نوازی و جوانمردی در محیطی که مردم آن با فزونی مال و فرزندان و کثرت تعداد جنگاوران فخرفروشی می‌کردند، وسیلهٔ سربلندی آن‌ها شمرده می‌شد. با رسالت پیامبر (ص)، ایشان در نقد و اصلاح این اخلاق و سنت‌های اخلاقی کوشید و سعی بر آن داشت تا اهداف متعالی تر این رفتارها را به مردم آن عصر بشناساند و تغییرات معناداری را پی ریزی و اجرا کند و گفتار و اعمال ایشان الگوی اخلاقی مناسب برای عموم قرار گیرد بعد از ایشان ائمه اطهار (ع) راه ایشان را ادامه دادند و با تفسیر آیات و روایات تبیین صحیحی را بدست دادند و جامعه عصر خود را به اخلاق اسلامی مزین فرمودند. بررسی میزان تأثیرپذیری جامعه اسلامی از آموزه‌های دینی و اخلاقی هدف اصلی مقاله می‌باشد و این مقاله بر این فرض استوار است که سیره نبوی و قرآن و ائمه اطهار (ع) نقش کلیدی تغییر اخلاق عصر جاهلی با عصر بعثت رسول و بعد از آن را ایفا می‌کنند این مقاله با روش تحقیق علمی به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ گفتن به پرسش اصلی و اثبات فرضیه مورد ادعای آن است. در خصوص این پرسش در کتب تاریخی و دینی اشاره‌هایی آمده است.

اخلاق فردی و اجتماعی در جامعه جاهلی جزیره العرب پیش از اسلام

از آنجا که بخش عمده منطقه شمالی جزیره العرب (حجاز) را صحرا تشکیل می‌دهد، بیشتر قبائل عرب در روزگار پیش از ظهور اسلام، بادیه نشین و صحرا گرد بودند. فرزند طبیعت و زاده صحرای بیکران و آزاد بود. تنها دو چیز او را محدود می‌کرد: یکی قیود و بندهای کیش بت پرستی و مراسم و شعائر آن، و دیگری سنت‌ها و آداب و رسوم قبیله‌گی و وظایفی که وابستگی به قبیله برای او ایجاد می‌کرد. اما پایبندی او به سنت‌های قبیله‌گی با اخلاص و اعتقاد ریشه دارتری همراه بود. اساس اجتماع عرب را قبیله، و نظام سیاسی و اجتماعی آنان را نظام قبیله‌گی تشکیل می‌داد و این نظام در تمام شئون و ابعاد زندگی آنان منعکس بود. در این نظام، هویت افراد، تنها با انتساب به یکی از قبایل مشخص می‌شد. بافت زندگی قبیله‌گی نه تنها در میان صحرا نشینان بلکه در شهر نیز به خوبی نمایان بود.^۱

۱. پیشوایی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام (ص))، ص ۳۵، ۳۴

تعصب

تعصب به منزله روح قبیله است و نشانه این است که فرد بی دریغ به افراد قبیله خود، وابسته است. به طور کلی تعصب قبیله‌گرایی در صحرائشینان نظیر وطن پرستی افراطی است. عرب بدوی به خاطر قبیله خود دست به هرکاری می‌زد و حتی جان خود را فدای آن کرد. رفتار افراد قبایل با برادر و عموزادگان و خویشان همراه با تعصب بود و اگر کسی از حمایت و مساعدت برادر و عموزاده خود کوتاهی می‌کرد، شرافت او لکه دار می‌شد. براین اساس اگر به یکی از افراد قبیله اهانت می‌شد به تمام قبیله اهانت شده بود و افراد قبیله موظف بودند برای رفع اهانت و زدودن لکه ننگ تا آنجا که نیرو دارند بکوشند تعصب که گاهی معادل کلمه وطن پرستی است، از روحیه خاصی حکایت دارد. کسی که دیگری را به خاطر «هم خونی»، «هم شانی»، «هم شهری» و یا «هم وطنی» صاحب حق به حساب آورد و غیر او را گرچه در مسأله ای حق داشته باشد، ناحق بداند، در پیشگاه خدا مورد غضب خواهد بود. این تعصب را تعصب مذموم گویند.^۱ بدین صورت یکی از ارکان مهم اخلاق عرب جاهلیت تعصب (حمیت) است که هم فرد و هم جامعه آن روز (قبیله) را در سطح وسیع و به طور چشمگیری تحت الشعاع قرار داده بود و به همان نسبت نیز رفتارها و اخلاق‌های فردی را به رفتارهای اجتماعی پیونده داده بود و در حقیقت رفتارهای فردی در طول رفتارهای اجتماعی معنا و مفهوم پیدا می‌کردند.

تفاخر

از جمله خصلت‌های دیگر عرب جاهلی، تفاخر بود. تفاخر یعنی فخر فروشی و خود را تافته جدا بافته دانستن که از نوعی خود شیفتگی و شیفتگی به مال نشأت می‌گیرد.^۲ تفاخر به فرزندان و اموال از صفات پسندیده محسوب می‌شد و این کار (مفاخره) با حضور داور انجام می‌شد و هر طرف افتخارات خود را در قالب نثر و نظم بیان می‌کرد.^۳ این خصلت در بین اعراب به قدری مهم بود که نوعی از انواع فن شعر غنایی را فخر نامیدند که ذیل آن مدح و ستایش خویش و اقوام و بستگان شاعر، همچنین شعر حماسی نیز داخل این نوع است و در آن بیان می‌شد.^۴ بیشتر قصایدی که ماندگار شدند، قصاید تفاخرآمیزی بودند که برای تبیین شرافت و ارجمندی قبیله سروده شده بودند و مهم‌تر از آن قصایدی که در مدح (سران قبیله) و در هجو دشمنان بود، بیشتر ماندگار شدند زیرا مدح و هجو دلایل مهم‌تری برای جاودان سازی است. با این حال آن دسته از اشعار مدح و هجو هم که بر اهمیت آن‌ها تکیه می‌شود و تا حدودی از تاراج زمان در امان بوده‌اند، فقط قسمت‌های مشهوری که بر زبان‌ها جاری بوده‌اند باقی مانده است.^۵ فن خطابه از انواع ادبی

۱. دشتی، فرهنگ سخنان پیامبر اکرم (ص)، ص ۲۷۱.

۲. دشتی، فرهنگ سخنان پیامبر اکرم (ص)، ص ۷۶۵.

۳. فایز، سیمای عرب جاهلی از زبان قرآن و روایات، ص ۷۴.

۴. ترجمانی زاده، تاریخ ادبیات عرب از دوران جاهلیت تا عصر حاضر، ص ۱۸.

۵. الحوت، باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام، ص ۴۰۸.

بود که در میان مردم آن روز وجود داشته است که مهم‌ترین اغراض خطبه جاهلی شامل تشویق به جنگ، دعوت به اتحاد، فراخواندن به سوی دین جدید، گرامی داشتن مجلس عزای بزرگی از بزرگان، از بین بردن کینه توزی، فخر فروشی به قبیله و تشویق به کارهای پسندیده بود. همه این موضوعات می‌توانند انگیزه مناسبی را برای گرایش به خطبه را در میان خطبای جاهلی ایجاد نمایند.^۱ (جای تعجب نیست که علم «نسب شناسی» که یکی از دانش‌های محدود آن روز عرب بود و از ارزش و احترام والایی برخوردار بوده و جهت حفظ و شناخت نسب و استفاده از آن در تفاخر نژادی و رقابت نژادی بین قبایل اعراب اهمیت داشت.^۲

تکبر

تفاخر بیجا به حدی بود که در فزونی جمعیت به فزونی قبرها و مردگان خویش مباهات می‌کردند و تعصب و غیرت در نظر آن‌ها طوری تفسیر می‌شد که زنده به گور کردن دختران از مراتب عالی و نهایت غیرتمندی به حساب می‌آمد.^۳ عرب جاهلی به دیگران به دیده تحقیر می‌نگریست، هنگام سخن گفتن بلند صحبت می‌کرد تا برتری خود را برساند. عرب جاهلی به بلند صحبت کردن افتخار می‌کرد. از مصادیق دیگر تکبر جاهلی‌ها این بود که هرگز برای ورود به خانه کسی اجازه نمی‌گرفتند.^۴ همچنین سنت‌هایی که قُصی - جد چهارم حضرت محمد در مکه پایه گذاری کرد و همان‌ها، برای مکیان تبدیل به سنن مقدس و خدشه ناپذیر شدند. قریش کلیدداری کعبه را از دست قبیله خزاعه خارج کرده بود، مسئولیت‌های مختلف مربوط به حج و زیارت و طواف مانند: سقاییت (تأمین آب برای حجاج)، رفادت (مهمان داری و پذیرایی)، حجابت یا سدانیت (پرده داری، حفظ و نگهداری از خانه خدا و کلیدداری)، قیادت (رهبری و فرماندهی جنگ‌ها و راهنمایی حاجیان)، لواء (حمل پرچم در جنگ) و همچنین تأسیس دارالندوه و همچنین دیگر امور اجتماعی شهر را نیز در دست گرفته بود.^۵ در این اثنا قریش را که روزی یکی از قبایل کوچک و فقیر و بی قدر و اعتبار جنوب حجاز بود به صورت قبیله ای نیرومند، مشهود و خوش نام عرب درآورد و از نظر شرف، ارزش و اعتبار، خود را برتر از قبایل دیگر معرفی کرد.^۶ این امور خود از مفاخر عرب جاهلی بوده است و دارنده‌گان آن مناصب آن را دستمایه تفاخر و فخرفروشی و خودبرتربینی می‌کردند.

جهان‌بینی اخلاقی اسلام

۱. ترجمانی زاده، تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر، ص ۵۸؛ حصاری، «رسی تطبیقی نثر در دوره جاهلی و دوره اسلامی با رویکرد قرآنی» ص ۵۹.
۲. پیشوایی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام (ص))، ص ۴۱.
۳. حسنی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلامی، ص ۶۷.
۴. فایز، سیمای عرب جاهلی از زبان قرآن و روایات، ص ۷۵.
۵. زرگری نژاد، تاریخ اسلام (عصر نبوت)، ص ۷۸.
۶. پیشوایی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام (ص))، ص ۹۴.

یکی از بهترین مقاصد عالی‌ه قرآن، گسترش خوی‌های پاک و دعوت اجتماع به ارزندگی‌ها و برتری‌ای اخلاقی است و به همین جهت مردم را به شایسته‌کاری‌ها و فضیلت‌ها می‌خواند و از ناپاکی‌ها و زشتی‌ها و ستمکاری‌ها باز می‌دارد. قرآن در آیات روشن خویش‌فرامین اخلاقی را بدرستی و صراحت بیان می‌کند و دستورات اخلاقی روشنی در زمینه اصلاح فردی، توجه به امور خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و معنوی بیان شده است و یک مسلمان باید به خدای شرک‌نیابورد، به پدر و مادرش احسان کند. فرزندانش را از بیم تنگدستی نکشد، مرتکب گناه و فحشا نگردد، پیمان‌ها را در بازار به درستی بپیماید.^۱ و پیامبر، خود بزرگ‌ترین مظهر فضایل اخلاقی و عالی‌ترین نمونه پاکدامنی و پاکدلی و پاکیزه‌خویی بود چنانکه خداوند خوی محمد (ص) را بزرگ برشمرد و فرمود:^۲

«إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ» «و تو خُلُقِ عَظِيمِ داری»^۳

محمد (ص) پس از بعثت، از قلم و آگاهی، از هدفمندی حیات، از برابری انسان‌ها در خلقت و پیشگاه الهی و یکسانی آنان در پیشگاه حکومت، بطلان و نفی امتیازها و تفاخرات قومی و نژادی، برابری سیاه و سفید، ارزش والای زنان و حقوق قطعی ایشان بر ذمه مردان، قسط و عدل، آزادی و کرامت تهدیدستان، برابری انسانی آنان با اشراف و شیوخ و حتی امتیاز ایشان بر بزرگان قوم با سبقت در فضیلت و تقوا و نظایر این ارزش‌های ناشناخته در جامعه عربی سخن می‌گفت. چنین پیام‌ها و تعالیمی برای شیوخ و رؤسای قبایل، سنت شکنی صریح و آزاردهنده‌ای بود. تعالیم پیامبر و قرآن در قلمرو رفتارها فردی و اجتماعی نیز با هنجارهای ریشه‌دار در فرهنگ زمانه سازگاری و پیوند نداشت.^۴

اخلاق اسلامی که یکی از محکم‌ترین سنگ بناهای تمدن اسلامی بود بهترین روش زیست فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد.^۵

اخلاق در قرآن

قرآن کامل‌ترین کتاب اخلاق آسمانی است و راز انگیزش پیامبر اسلام اکمال اخلاق انسانی است چنانکه خود فرمود:

«بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» «حدیث نبوی»

«من برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شدم»^۶

۱. الانعام، ۶، آیه ۱۵۲. حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. قلم، ۶۸، آیه ۴.

۴. زرگری نژاد، تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت، ص ۱۳.

۵. حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۱۲۵.

۶. همان، ۴۰.

محمد (ص) به عنوان آخرین فرستاده خداوند کامل‌ترین نمونه اخلاق انسانی بود. تا اخلاق و رفتارش سرمشق همه انسان‌ها در همه روزگاران و اقصی نقاط جهان قرار گیرد که خدا درباره‌اش می‌فرماید:

«...ولکم فی رسول الله اسوه حسنه»^۱ «... رفتار پیامبر سرمشق نیکویی برای شماست»

حسن ارزنده و عمیقی که اخلاق قرآن متضمن است ضمانت اجرایی آن است بر خلاف مکاتب اخلاقی بشری که فقط دستور است و ضمانتی برای اجرا ندارد، اسلام برای همه اعمال اخلاقی و روش‌های ناستوده انسانی پاداش و کیفری مسلم قائل است و همین امر موجب می‌شود که معتقدان به مبدأ و معاد، دستورات قرآن را بپذیرند و از منهیات آن کناره گیرند، قرآن پس از یک سلسله دستورات عمیق اخلاقی که در سوره اسراء بیان می‌نماید در آخر کیفر بدکاران را بیان می‌کند و می‌فرماید:

«... فَتَلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا»^۲ «با خداوند یکتا خدای دیگری قرار مده که نکوهیده و مطرود از رحمت خدا در دوزخ افکنده خواهی شد.»

دیگر آنکه اخلاق قرآن قابل عمل و در خورد توانائی است و تکلیف مالایطاق و تحمیل جابرانه نیست چنانکه می‌سراید:

«لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۳

«خداوند هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند»

سومین امتیاز اخلاق قرآن آنست که رعایت جانب اعتدال را می‌کند و از افراط و تفریط برکنار است چنانکه درباره انفاق می‌فرماید:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»^۴

«و دست خویش برگردن میند و بخل مکن و بسیار هم آن را مگشای که هرچه داری ببخشی و در نتیجه نکوهیده و برهنه برجای بنشینی»

واکنش قرآن و پیامبر به سنت‌های نادرست اخلاقی

قرآن و اخلاق جاهلی

دو خطر که از دیر زمان در میان عرب جاهلیت وجود داشت: یکی امتیازات طبقاتی و دیگر تبعیضات نژادی (و تاریخ صحنه‌های قابل تأمل و تأسفی از این دو خطر بزرگ بیاد دارد). اسلام با این دو پدیده به مبارزه برخاست و دقیق‌ترین و اصیل‌ترین برابری‌های حساس بشری را به عنوان یک واقعیت دگرگون‌ناپذیر طبیعی و فطری اعلام داشت.

۱- احزاب، ۳۳، آیه ۲۱.

۲- اسراء، ۱۷، آیه ۳۹.

۳- بقره، ۲، آیه ۲۸۶.

۴- اسراء، ۱۷، آیه ۲۹.

قرآن کریم در آیاتی به خصلت‌های جاهلی و آلوده شدن به اخلاق جاهلی اشاره می‌کند و در مقابل آن از تقوا و تواضع در برابر خدا خبر می‌دهد که در برابر آن مؤمنین را از این خصلت‌های جاهلی حفظ نماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَتُهُ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...»^۱

«بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است...»

و نیز می‌فرماید: «... وَاللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۲ «و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد».

و نیز سوره ای نازل کرد و آن‌ها را سخت سرزنش کرد: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ * كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ *»^۳ «تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت؛ تا کارت‌ان و [پایتان] به گورستان رسید؛ نه چنین است، زودا که بدانید، باز هم نه چنین است، زودا که بدانید؛ هرگز چنین نیست، اگر علم یقین داشتید!؛ به یقین دوزخ را می‌بینید»

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ...»^۴

«و آنگاه که کافران در دل‌های خود تعصب [آن‌هم] تعصب جاهلیت ورزیدند...»^۴

و گروهی فقط و فقط به خود می‌اندیشیدند و خود را می‌خواستند در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران درباره آن‌ها چنین می‌یابیم که:

«... وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ»^۵

«و گروهی از آنان درباره خدا، همچون گمان دوران جاهلیت گمانی نادرست بردند و گفتند: آیا چیزی از این کار از آن ما هست؟»^۵ عرب جاهلی بلند صحبت کردن را فضیلت می‌دانستند و به آن افتخار می‌کرد در این آیه خداوند به این عادت عرب جاهلی اشاره می‌کند:

«... وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»^۶

«و صدایت را آهسته ساز، که به بدترین آوازه‌ها بانگ خران است»^۶ خداوند ضمن آیاتی احترام گزاردن به پیامبر را تذکر می‌دهد و در ضمن این آیات به عادت بلند صحبت کردن عرب جاهلی اشاره دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ... إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ... إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۷

۱. حدید، ۵۷، آیه ۲۰.

۲. حدید، ۵۷، آیه ۲۳.

۳. التکاثر، ۱۰۲، آیات ۱، ۶.

۴. الفتح، ۴۸، آیه ۲۶.

۵. آل عمران، ۳، آیه ۱۵۴.

۶. لقمان، ۳۱، آیه ۱۹.

«ای کسانی که ایمان آوردید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر می‌کند، و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر سخن می‌گویید با او به صدای بلند سخن مگویید...؛ کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرومی‌کشند همان کسانی که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده است...؛ کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها [مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند و ادب را رعایت نمی‌کنند و بیشترشان نمی‌فهمند»^۱ قرآن به عادت بی‌اجازه وارد شدن به خانه دیگران که از مصادیق تکبر جاهلی بود اشاره می‌کند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا... »

«ای کسانی که ایمان آوردید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید...»^۲

همچنین خداوند در آیاتی به افتخاراتی که قریش در خدمت به حجاج و کلیدداری کعبه به دست آورده بود و با آن فخر فروشی می‌کرد اشاره می‌کرد و با بیان قرآن این افتخارات از مشرکین گرفته شد: « مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ... »

«مشرکان حق ندارند در حالی که به زبان یا عمل، بر کفر خود شهادت می‌دهند، مساجد خدا از جمله مسجد الحرام را تعمیر کنند...»^۳ (توبه/۱۷)

« أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ... »

«آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا ایمان آورده...»^۴ (توبه/۱۹)

همچنین قرآن برای محکم کردن روش‌های غلط اخلاقی، به خصوص زنده به گور کردن دخترها می‌فرماید:

« وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ » «و آن گاه که از دختر زنده به گور شده پرسند که به کدامین گناه کشته شد؟»^۵ و همچنین در سوره (نحل/۱۶-۵۹-۵۸)

پیامبر و احادیث نبوی در مذمت اخلاق جاهلی

در اسلام ملاک برتری‌ها فقط پرهیزگاری است. (ان اکرمکم عندالله اتقیکم) و هرکس پاک تر است به خدای پاک نزدیک تر است. پیامبر فرمود: عرب را بر عجم و عجم را بر عرب و سیاه را بر سپیده و سپید را بر سیاه برتری نیست مگر به تقوی و خود عملاً این رسم سعادت آفرین و زندگی بخش را در حکومت انسانی و آسمانی خود اجراء می‌کرد چنانکه حتی در نگاه کردن به چهره پیروان خویش نیز اندازه لحظات را به برابری تقسیم می‌فرمود که این دقیق‌ترین رسم مساوات است که انحصار به رسول اسلام (ص) دارد.

۱. حجرات، ۴۹، آیات ۲-۴.

۲. نور، ۲۴، آیه ۲۷.

۳. توبه، ۹، آیه ۱۷.

۴. توبه، ۹، آیه ۱۹.

۵. تکویر، ۸۱، آیات ۸-۹. نحل، ۱۶، آیات ۵۸-۵۹.

پیامبر برای نشان دادن مساوات عملی اسلام در میان پیروان خویش به هنگام جنگ و صلح و سفر و حضر و انجام وظایف عبادی و تعهد امور خانوادگی هرگز امتیازی از حضرتش مشهود نبود و می‌فرمود: خداوند دوست ندارد که یکی از بندگانش بین دیگران ممتاز باشد.^۱

پیامبر اکرم در مذمت فخرفروشی و آثار شوم تکبر و خودخواهی و آثار تعصب بی جا و ناحق احادیثی را فرموده‌اند.

پیامبر اکرم فرمود: ان الله قد اذهب عنكم غيبه الجاهليه و فخرها بالآباء، الناس بنو آدم و آدم من تُراب، مؤمن تقی، و فاجر شقی، لینهیئ اقوام یفخرون برجال انما هم فحم من فحم جهنم، او فلیکونن اھون علی الله من جعلان تدفع التتن بأنفھا.

(خداوند عادت‌های جاهلیت و فخرفروشی بر قبیله و پدران را مردود دانسته است، همه انسان‌ها فرزندان حضرت آدم (ع) هستند و آن حضرت از خاک آفریده شده‌اند؛ برخی از آنان مؤمن و پرهیزکارند و برخی دیگر بدکاره‌های شقاوت‌پیشه‌اند. کسانی که به پدران خود که زغال‌های آتش جهنم هستند، افتخار می‌کنند، باید از کار خود دست بردارند، یا این که شخصیت و اعتبار آنان، مانند حشره سرگین غلطانی خواهد شد که همواره بوی بد از دماغ خود خارج می‌کند، تا دشمنش به او نزدیک نشود غافل از اینکه این کارش دوست را هم از دور می‌سازد). همچنین پیامبر می‌فرماید:

«أَفْقَهُ الْحَسَبِ الْاِتِّخَاذُ وَالْعَجَبُ» (خودپسندی و فخرفروشی، نجیب زادگی و اصل و نسب انسان را نابود می‌کند).^۲

همچنین پیامبر درباره تکبر و خودخواهی فرمود:

لا یدخل الجنة عبدٌ فی قلبه مثقالُ ذرَّةٍ من الکبر

(هر بنده ای که ذره ای از خودخواهی و خود برتری بینی در دل داشته باشند. هرگز داخل بهشت نمی‌شود)^۳

پیامبر درباره تعصب و آثار تعصب بی جا و ناحق فرمود: حدیث ۳۶۵

من كان في قلبه مثقال حبه من خردل عصبية بعته الله يوم القيامة مع اعراب الجاهلية.

(هرکس در دلش به اندازه دانه خردل تعصب غیر دینی داشته باشد. خداوند او را با اعراب بیابان نشین زمان

جاهلیت و قبل از اسلام که جز قوم گرایی چیزی دیگر نمی‌فهمیدند، محشور می‌کند)

در حدیث دیگری پیامبر فرمود: من تعصب او تعصب له فقد خلع ربة الايمان من عنقه.

(هرکس در امور زندگی، تعصب غیر دینی داشته باشند و یا تعصب ورزی جاهلی دیگران را بپذیرد، چنین

کسی پیوند خود را با اسلام قطع کرده است).^۴

۱. حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۲۶۴.

۲. دشتی، فرهنگ سخنان پیامبر اکرم (ص)، ص ۷۶۵-۷۶۶.

۳. همان، ص ۲۷۴.

۴. دشتی، فرهنگ سخنان پیامبر اکرم (ص)، ص ۲۷۱.

نهج البلاغه و مبارزه با اخلاق جاهلی

امام علی (ع) در نهج البلاغه اوضاع آشفته فکری و اخلاقی عرب قبل از اسلام را به نحوی شایسته و عالی توصیف می‌کند. و درباره وضع عمومی جهان و مردم سخن می‌راند. سپس در سخنان دیگر علی (ع) مردم مسلمان را از جاهلیت بنی امیه و فتنه کور هشدار می‌داد؛ زیرا در جاهلیت کور و تاریک، چراغ هدایت و علم و اندیشه دیده نمی‌شود همچنین وی مردم را از تکبر و نخوت و فخر جاهلیت که زاییده بعض و وسیله شعله ور شدن وسوسه و کینه‌های شیطان است، برحذر می‌دارد. چنان که می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَانَّهُ مُلَاقِعُ الشَّنَانِ وَ مَنَافِخِ الشَّيْطَانِ...»^۱

«خدا را خدا را از تکبر و خودپسندی و تفاخر جاهلی که جایگاه بغض و کینه و رشد وسوسه‌های شیطانی است که ملت‌های گذشته و امت‌های پیشین را فریفته است تا جایی که در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند و به آسانی به همان جایی که یطمان می‌خواست کشیده شدند... پس شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی را در قلب خود خاموش سازید که از آفت‌های شیطان و غرور و کشش‌های وسوسه اوست... آگاه باشید که شما هم اکنون از رشته‌های طاعت دست کشیدید و با زنده کردن ارزش‌های جاهلیت دژ محکم الهی را شکستید»^۲

همچنین در خطبه ۹۵ به صراحت می‌گوید که دوران جاهلیت عصر نادانی و نهایت جهل بوده است. «و استزالتهم الکبریاء و استخفَّتْهُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ.» «کبر و نخوت ذلیلشان ساخته و جاهلیت و نهایت جهل آن‌ها را سبک و خوار ساخته بود»

علی (ع) در صفحه ۲۱۰: نهج البلاغه ابلیس را نخستین کس در پیروی از عصبیت و حمیت معرفی می‌کند و مردم را از رفتن به راه ابلیس برحذر می‌دارد و اقوام جاهلی را چنین وصف می‌کند: «صَدَّقَهُ بِهٖ اِبْنَاءُ الْحَمِيَّةِ وَ اخْوَانُ الْعَصِيْبَةِ وَ فُرْسَانُ الْكِبْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ» «پذیرندگان و پیروان شیطان، فرزند تعصب و حمیت‌های بی جا و قهرمان تکبر و جهل...»^۳ جدایی از حبل الله و اطاعت از حق، آن‌ها را به سبب احیای احکام جاهلی نکوهش می‌کند. «قَدْ نَفَضْتُمْ اَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ ثَلَمْتُمْ حَصْنَ اللّٰهِ الْمَضْرُوبِ عَلَيْكُمْ بِاِحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ»^۴ چنان که مشخص است امام علی (ع) در توصیف و تبیین اخلاق جاهلی و زوایای آن تلاش بسیار کرده‌اند و به فراخور زمان و موضوع این اخلاق‌ها و خصلت‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد و به اصلاح یار د آن‌ها می‌پردازند. پس از ایشان نیز ائمه اطهار (ع) این وظیفه را بر عهده گرفتند.

نتیجه‌گیری

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲. ویسی کرمی، «عقاید و اخلاق جاهلی از منظر قرآن کریم»، ص ۶۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۲، ۱۹۲.

۴. حسینی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلامی، ص ۹۶.

جاهلیت یک مفهوم است نه یک دوره زمانی. دورانی است که از ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی تهی است و در بطن مفهوم جاهلیت به خصلت‌های جاهلی تکیه شده، نه به زمان جاهلی. بعضی رفتارهای ناپسند دوران جاهلیت زمینه ساز بسیاری از گناهان و سرکشی‌ها شده است، و مردم آن عصر دارای این صفات و اخلاق ناپسند بودند. از جمله این صفات ناپسند فخرفروشی، تکبر و خود خواهی و تعصب و امثال آن را می‌توان نام برد. در دستورات اخلاقی دین اسلام نسبت به این رفتارها و خصلت‌ها حساسیت خاصی اعمال شده است و قرآن و پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در گفتار و اعمال خود سعی را بر آن داشتند تا مشکلات و انحرافات اخلاقی که مردم آن عصر گرفتار آن بودند را اصلاح کنند یا تغییر دهند. با بیان اصولی چون برابری و برادری که تا آن زمان معنای خاصی نداشت، خصلت‌ها و فخرفروشی‌های نسیبی و خونی، تمایلات و تعصبات قبیله‌ای زمان جاهلیت را دچار بحران کردند. مردم سعی کردند در سایه دین اسلام و اطاعت از پیامبر، این موعظه‌ها و پندهای اخلاقی را جامه عمل بپوشانند و متخلق به اخلاق اسلامی شوند. با این حال چه در زمان بعثت پیامبر و چه بعد از ایشان و در زمان ائمه سیاست برخی از حاکمان احیای اخلاق زمان جاهلی بود تا با استفاده از آن حکومت خود را استمرار بخشند اما توصیف و تبیین دقیق اخلاقی به وسیله قرآن، پیامبر و ائمه اطهار (ع) در گفتار و عمل اخلاق اسلامی را اخلاق برتر معرفی کردند و به اجرا درآوردند. و توانستند که اخلاق اسلامی را بشناسانند و اخلاق جاهلی را به مردم عصر خود نشان دهند تا از آن دوری گزینند. تا زیبایی‌های اخلاق اسلامی را با جان و دل بپذیرند. اما با توجه به مفهوم بودن واژه جاهلیت و تعریف ارائه شده از آن در هر زمان و مکانی امکان درگیری جامعه به اخلاق جاهلی وجود دارد و یادآوری آیات و روایات و احادیث می‌تواند برای جلوگیری از گسترش اخلاق جاهلی کارگشا باشد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به مطالب ارائه شده، آیات قرآن و احادیث نقل شده با اتکا به شیوه عملی و سیره نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، ایشان تا حد زیادی نقش مؤثری در اصلاح اخلاق عمومی جامعه جاهلی و ارتقای آن به سطح بالاتری از شاخصه‌های انسانی و اخلاقی را ایفا کرده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- پرورش، سید اکبر، *پدیده جاهلیت از دیدگاه قرآن*، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵.
- پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام (ص))*، قم، دفتر نشر معارف، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
- ترجانی زاده، احمد، *تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر*، چاپ خورشید، بی جا، ۱۳۴۸.
- حجازی، فخرالدی، *نقش پیامبران در تمدن انسان*، تهران، موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۰.
- حسنی، علی اکبر، *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

- حصاری، محمد جواد، «بررسی تطبیقی نثر در دوره جاهلی و دوره اسلامی با رویکرد قرآنی»، فصلنامه مطالعات ادبی - قرآنی، شماره اول، ۱۳۹۱.
- الحوت، محمود سلیم، *باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام*، ترجمه و تحقیق منیژه عبداللهی و حسین کیانی، تهران، علم، بی‌جا، ۱۳۹۰.
- دشتی، محمد، *اکرم (ص)*، فرهنگ سخنان پیامبر، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقات امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۶.
- زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
- زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- سید رضی، *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- فائز، قاسم، *سیمای عرب جاهلی از زبان قرآن و روایات*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- ویسی کرمی، «*عقاید اخلاق جاهلی از منظر قرآن کریم*»، نشریه کوثر، شماره ۲۹، ۱۳۸۷.

